



باید درباره مدرنیته بیشتر تأمل کنیم/ از جامعه شناسان گلایه داریم

رئیس فرهنگستان علوم با تأکید بر ضرورت تأمل بیشتر بر مدرنیته گفت: وضع ما وضع خاصی است و گلایه من از جامعه شناسان این است که چرا این وضعیت را تحلیل نمی کنند.

رئیس فرهنگستان علوم با تأکید بر ضرورت تأمل بیشتر بر مدرنیته گفت: وضع ما وضع خاصی است و گلایه من از جامعه شناسان این است که چرا این وضعیت را تحلیل نمی کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، اولین نشست از سری نشست های اندیشه و هنر حوزه هنری عصر روز گذشته با موضوع هویت سنت و مدرنیته در جامعه پسانقلابی برگزار شد. در این نشست فیلم «دیوانه ای از قفس پرید» ساخته احمد رضا معتمدی با حضور علیرضا شجاعی زند، رضا داوری اردکانی و کارگردان اثر مورد بحث قرار گرفت.

رضا داوری اردکانی پس از نمایش فیلم گفت: بنده فیلم شناس یا منتقد فیلم نیستم اما چون کارگردان فیلم را می شناسم دیدن آن در شناخت من اثر می گذارد. معتمدی در این فیلم قصد دارد چیزی از تفکر در زمان روزگار ما را نشان دهد. در فیلمی که نمایش داده شد هیچ کدام از شخصیت ها به صراحت نماینده سنت و یا مدرنیته نیستند. همه آنها آدمهای جدید و متعدد مآب هستند.

وی افزود: سنت و مدرنیته برای ما کمی مکانیکی تعریف شده است. ما فکر می کنیم که مدرنیته آمده تا به جنگ با سنت برود. وضع ما در نسبت سنت و مدرنیته وضع قسمتی از این و قسمتی از آن نیست. معتمدی هم نمی خواهد در فیلم به این دو جریان اشاره کند.

رئیس فرهنگستان علوم اضافه کرد: ما در دنیای مدرن زندگی می کنیم و زندگی ما به این عامل تعلق دارد. هیچ چیزی در تاریخ ناپود نمی شود. مدرنیته وقتی می آید همه چیز را از هم می پاشاند. کلیت را از بین می برد اما اجزا را از بین نبرده است. شخصیت مستوفی (عزت الله انتظامی) در فیلم که مرتب ضرب المثل می گوید و با زبان بازار ایران حرف می زند شاید شخصیت یک سرمایه دار اروپایی نباشد اما رفتا و تیپ سرمایه دار ایرانی را دارد. کسی که باطنش، باطن جهان توسعه نیافته است.

این چهره ماندگار فلسفه تصریح کرد: کار فیلم، تعلیم و تربیت نیست و قرار نیست که ما با دیدن فیلم درس بگیریم. وقتی فیلمی را می بینیم با یک حادثه در ارتباط هستیم. گاهی برخی از فیلم ها، جهان ما و گاهی هم بی جهانی، بی وطنی و غربت ما وصف می کند. فیلم، یک حادثه است نه یک مقاله و تعلیم. وقتی به زیر پوست جامعه می رویم نشان دادن پوست رویی جامعه دشوار است ولی به هر حال باید از زیر پوست هم حرف زد و من احساس می کنم که فیلم آقای معتمدی کلیتی از جامعه را نشان می دهد.

داوری اردکانی در بخش دیگری از سخنانش اشاره کرد دیالوگ صرفا گفتگوی دو نفر نیست بلکه همزمانی، سخن به جا گفتن و حرف همدیگر را فهمیدن است. کارگردان فیلم «دیوانه ای از قفس پرید» هم این گونه نبوده که صرفا دیالوگی را بیاورد که چیزی گفته باشد بلکه دیالوگ را به معنای واقعی آورده است. معتمدی نمی خواهد از تقابل ها بگوید و آنها را نشان دهد. هیچ فیلمی هم نمی تواند این کار را بکند. ما باید درباره مدرنیته بیشتر تأمل کنیم. مدرنیته یک شیئی یا چیز ثابتی نیست بلکه یک تاریخ است. وبر، مدرنیته را نوعی عقلانیت می داند و می گوید با اینکه آن را دوست ندارم اما ناچارم آن را بپذیرم. مدرنیته چیزی نیست که بخواهد به جنگ با یک چیز دیگری برود. سنت هم یک نظم و نظام است. نظامی که به نوعی از هم پاشیده شده است.

این فیلسوف فرهنگ ادامه داد: در جامعه توسعه نیافته نه سنت وجود دارد و نه مدرنیته. در این جامعه نوعی آشفتگی وجود دارد چون برنامه ها و خواسته های ما همه مربوط به دنیای مدرن است و ما دنیای مدرن را دوست داریم ولی مشکل این است که مدرن نیستیم. از دل مدرنیته یا سنت چیزی تولید نمی شود بلکه نحوه ظهور چیزها فرق می کند. مثلاً شکل ترافیک در کشور ما با یک کشور دیگر فرق دارد. فیلم معتمدی فیلم کشوری است که در جریان با مدرنیته قرار گرفته ولی اینکه چگونه مدرن شده است در همین حد مشخص است که به شکل فرانسوی، مدرن شده و نه آلمانی.

داوری اردکانی افزود: وضعیت ما یک وضع خاص است و هیچ چیز ما شبیه قدیم نیست. ما نه مثل قدیمی ها نشست و برخاست می کنیم و نه آنگونه تعامل داریم. گلابه من از جامعه شناسان این است که چرا این وضعیت را تحلیل نمی کنند. کاسب قدیم برای پول آدم نمی کشت ولی سرمایه دار برای پول آدم می کشت.

وی در پایان گفت: دن کیشوت اولین رمان تاریخ است و سروانتس از بنیانگذاران مدرنیته است. شخصیت دن کیشوت در این رمان عین سنت است که در مقابل جهانی که در حال آمدن است می ایستد. توجه کنید که سروانتس سنت را به صورت دن کیشوت که با شمشیر به جنگ با آسیاب ها رفت به تصویر می کشد.

علیرضا شجاعی زند دیگر سخنران این مراسم گفت: فیلمساز باید فیلسوف باشد نه خود فیلم. یعنی فیلم هایی بسازد که فراتر از مسائل معمولی و ظاهری باشد. به نظر من فیلم احمدرضا معتمدی درباره تقابل سنت و مدرنیته نبود بلکه به نوعی درباره جنگ خوبی و بدی که عاملش هم نفسانیت است، بود. به همین خاطر من فیلم را بیشتر یک اثر اجتماعی می بینم نه فلسفی. البته دلیلی هم ندارد که فلسفی باشد. همینکه ما را از لایه های رویی به لایه های عمیق تر برود کافی است. عناصر مدرنیته در این فیلم با اینکه در سال 81 (سال ساخت فیلم) خیلی هم برجسته بود دیده نمی شود. علاوه بر این جای جریان روشنفکری هم در این اثر خالی بود.

این استاد فلسفه افزود: به عقیده من دعوای میان سنت و مدرنیته دعوای ساختگی مدرنیست ها است و ما نباید در دام این بازی بیافتیم. مدرنیست ها اغلب این تقابل را برجسته می سازند چون سنت فی نفسه قابل دفاع نیست. حتی اگر این دعوای گذشته و اکنون هم تقلیل دهیم باز هم سنت بی دفاع است. سنت چه به معنای تجلیل از گذشته باشد چه به معنای اینکه ما از آن دفاع می کنیم چون تعلق خاطر داریم بی معناست. سنت قابلیت عرض اندام و مقابله با مدرنیته را ندارد. سنت از طریق عناصر دیگری مثل فلسفه و دین و ... پرپار می‌شود و گرنه فی نفسه چیزی ندارد.

وی ادامه داد: اگر در این میان دعوایی هم باشد دعوای مدرنیته با عناصر سنت است. برای جوامع امثال ما عنصر برجسته سنت، دین است و تقابل مدرنیته با دین وجود دارد نه با سنت. بنابراین اگر دنبال رویارویی با بلای خانمانسوز مدرنیته هستیم باید دنبال عنصر اصلی که مدرنیته با او می جنگد (دین) باشیم.

شجاعی زند در پایان گفت: در فیلم احمدرضا معتمدی تقابل عقل و دل به خوبی نشان داده شده و نه تقابل عقل و عفت فوکو. شخصیت های این فیلم هیچکدام نماینده مدرنیته و یا حتی مولود آن هم نیستند. این شخصیت ها در همه ادوار تاریخ و همه کشورها وجود دارد.

احمد رضا معتمدی کارگردان اثر گفت: فیلم «دیوانه ای از قفس پرید»؛ علیرغم مظلومیت هایی که داشت و اجحاف هایی که داشت در حق آن شد با اختلاف یک درصد فیلم دوم آن سال شد و بخش های بسیاری از آن سانسور شد. مدرنیته ای که امروز ما از آن صحبت می کنیم یک امر بی اصل و نسب است. آنچه که در اروپا اتفاق افتاده تحت عنوان مدرنیته یک امر درون زا بوده است. نماینده آن هم شخصیت توماس مور که در فیلم «مردی برای تمام فصول»؛ هم است، می باشد. در دنیای مدرنیته عقل نامعقول و معقول همگی در کنار هم زندگی می کنند.

وی افزود: هم در ساخت این فیلم و هم در ساخت فیلم «آلزامر»؛ تحت تاثیر افکار فوکو بودم و نقدهایی هم مشخصا به جریان مدرنیته داشتم که در صحنه هایی از فیلم دیده می‌شود. منتها عنوان این نشست به گونه ای است که به نظر می رسد ما قصد داشتیم از تقابل سنت و مدرنیته حرف بزنیم در حالی که این گونه نیست. من در این فیلم فقط خواسته ام به نوعی گفتمان حاکم بر جامعه که نوعی گفتمان مدرنیته است را نشان دهم.

سارا فرجی